



دست‌اندرکاران نمایش رادیویی «از سرزمین نور» در اسفندماه سال ۷۳، با رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات‌شان در این دیدار به جلال مقامی هم اشاره کردند.



فاجعه

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ • شماره ۸۲۰

۵

گزارش ویژه

یادکردی از استاد جلال مقامی و درنگی در حقیقت هنر

دریغ از این وادی بی جلال و مقام

یادداشت

خاموشی صدای شنیدنی

آقای دیدنی‌ها

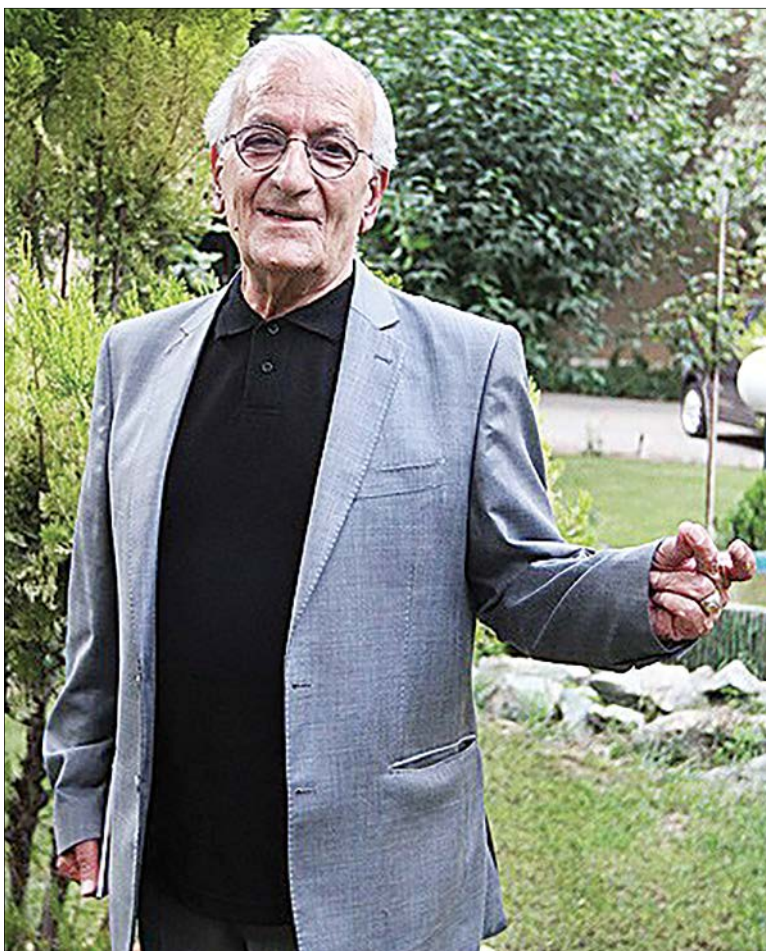
پنجم آبان سال ۱۴۰۱ یکی دیگر از ستاره‌های آسمان دوبله ایران زمین خاموش شد؛ جلال مقامی. آری! ستاره‌ای که به واسطه صدای گرم و شیرینش، به بخشی از خاطره شنیداری ملت ایران تبدیل شده است. چه بسیار شخصیت‌ها و بازیگرانی که تصویرشان با صدای جلال مقامی عجین شده است. از آل پاچینو و رابین ویلیامز گرفته تا عمر شریف و رابرت ردفورد. صدای او همچنین در برخی از سریال‌های مطرح داخلی نیز خوش‌نشسته است. در دورانی که هنوز صداپردازی سر صحنه رایج نشده بود و آثار داخلی هم دوبله می‌شدند، او به جای بازیگران سخن می‌گفت، از جمله در سریال «مزد ترس» به جای کاراکتر سروان ناصر محمدی (عبدالرضا کبری) و در سریال «پدر سالار» به جای نقش جمال (خسرو شجاع‌زاده).

چهره مرحوم مقامی نیز نزد ایرانیان به تصویری خاطره‌انگیز تبدیل شده است، به ویژه برای آن‌ها که دهه ۶۰ را زیستند، جلال مقامی با برنامه به یادماندنی «دیدنی‌ها» شناخته شده است. برنامه‌ای که در دوران کمبود شبکه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، به یکی از آثار محبوب تبدیل شده بود و تقریباً همه مردم، یکشنبه شب‌ها پای تماشای آن می‌نشستند.

مرحوم مقامی همچنین مدیریت دوبلاژ آثاری چون «پدر سالار»، «تاکسی ۲»، «معصوم» و «تعقیب سایه‌ها» را به عهده داشت و سرپرست گویندگان ده‌ها فیلم و سریال دیگر هم بود. وی بازیگری را هم در چند فیلم سینمایی تجربه کرد، از جمله فیلم‌های «گلان»، «زنگ اول» و ... داوری مسابقه تلویزیونی «جادو صدا» و اجرا در برنامه رادیویی شنیدنی‌ها هم از دیگر کارهای ثبت شده در کارنامه وی است.

این صدای پیاپی از جمله گویندگان برنامه رادیویی «از سرزمین نور» هم بود. این برنامه شامل گویندگی (نریشن) و اجرای قطعات نمایشی درباره زندگی نبی مکرم اسلام (ص) است. «از سرزمین نور» که شامل ۲۷۰ برنامه نمایشی مربوط به زندگانی پیامبر اکرم (ص) قبل از تولدشان تا زمان رحلت آن بزرگوار و در پی آن زندگانی حضرت علی (ع) بود در سال ۱۳۷۲ تهیه شد که به مدت پنج سال و نیم جمعه‌های هر هفته از ساعت ۸:۳۰ صبح پخش می‌شد. برنامه «از سرزمین نور» که مرحوم جلال مقامی نیز از گویندگانش بود، مورد تقدیر رهبر انقلاب قرار گرفت.

دست‌اندرکاران نمایش رادیویی «از سرزمین نور» در اسفندماه سال ۷۳، با رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات‌شان در این دیدار به جلال مقامی هم اشاره کردند و فرمودند: «صداها و برنامه هم انصافاً خیلی خوب است. حالا آقایان - آقای مقامی و آقای اسماعیلی - که صداهایشان از صداها و خیلی رایج و معروف است و هر کسی که با صدا و سیما سر و کار دارد، زیاد شنیده است و هر دو هم انصافاً بهترین صداهاست؛ خیلی خیلی خوب است. آقایان دیگر هم که بعضی‌ها صداهاشان ناآشنا بود، انصافاً نقش‌ها را بسیار خوب اجرا کردند و آدم می‌بیند و می‌فهمد که این گفتارها و محاوره‌ها غالباً از روی شوق عاطفی و احساس عاطفی انجام می‌گیرد. ان شاء الله... که خداوند شما را موفق و مؤید بدارد.»



دوبله هر فیلم بیشتر طول می‌کشید اما امروز با این دستگاه‌های دیجیتال، دوبله یک فیلم از صبح تا عصر تمام می‌شود.

جلال مقامی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری خود را پس از حضورش در تئاتر و بازیگری در حوزه‌های دیگر در دوبله به ثبت رساند به نحوی که بسیاری از بهترین و ماندگارترین نقش‌آفرینی‌های سینمای ایران و جهان را با او به یاد می‌آوریم.

کاش می‌فهمیدیم جنس هنر، اساساً از معیار کیفی است و نه کمی و شرفش مطلقاً در وادی حقیقت جویی، نه نام‌آوری و زراندوزی و روزمرگی و گذران باسهمه‌ای و فله‌ای لحظه‌ها و روزها. کاش بدانیم هر تلاشی زیرلعاب هنر و نه حقیقتش، حتی اگر به لطف مدیا و فالوئر، هنر نامیده شود به زودی به دست چرخ و «آن که غریب به دست دارد و از پس کاروان می‌آید»، محک خورده و بر آفتاب خواهد شد.

به این روزها، سلبریتی‌ها، این آثار، نقش‌ها و دوغ و دوشاب‌های منتشر و مستتر در آن‌ها نگاه کنید! می‌بینید که هیچ بویی از شور، شوق، حقیقت، وجد و معرفت در آن‌ها نیست! نه «جلال» ی‌ونه «مقام» ی؛ نه برانگیختگی دلی و نه تنبه و تذکاری؛ یک مشت وصله بی چیز در انبان تهی ولی پر طبل و طبله به اصطلاح هنری که نخواهد ماند حتی با هزار رنگ و لعاب و حبله.

باری؛ یاد استاد جلال مقامی و سلوک هنری درخشانش گرامی و راهش مانا و پر رهرو. ایدون باد!

قرار می‌گرفتیم اما جوانان امروز ما باید چه کار کنند؟ چون در چهره بازیگران چینی و کره‌ای، هیچ بازی‌ای وجود ندارد.

نکته‌ای که مقامی به درستی می‌گوید فقط در ساحت هنر دوبله ایران نیست؛ مجموعه‌ای از همه عوامل در همه عرصه‌ها دست به دست هم می‌دهد و فضا را به سمتی می‌برد که تهی از نور و حقیقت و زیبایی، سلطه و سلطنت مآشین، کمیت و پول را بر گرده انسان امروز بنشانند و او را به تباهی و تهی شدن برسانند.

آنچه مقامی می‌گوید «فقط می‌توان بزین بزین و حرکات اکشن را دید که یک نفر به آسمان می‌پرد و یکجا ۱۰ نفر را می‌کشد یا از روی این ساختمان تا آن ساختمان می‌پرد. حتی فیلم‌های امروز هالیوود هم چیزی برای گویندگان جوان مان ندارد. فیلم‌های اساسی، امروز یا در هالیوود نیست یا اگر هم هست به ایران نمی‌رسد. دوبلور وقتی موفق می‌شود که حس را از بازیگر بگیرد و دوباره تحویلش بدهد. هیچ کس نمی‌تواند به شما بگوید چگونه عاشق شوید حتی گوش‌تان هم باید به حجم صدای بازیگر عادت کند. به همین دلیل است که می‌گویم جوانان نمی‌توانند در دوبله خودشان را نشان دهند، چون بازیگرهای خوب دیگر نیستند یا به چشم نمی‌آیند. ما قدیمی‌های دوبله هم که تافته جدا بافته نبودیم. در هر فیلمی که دوبله می‌کردیم، کمی به اندوخته‌مان اضافه شد و فرصت پیدا کردیم و مضاف بر این‌که در گذشته،

جلال مقامی را می‌توان یک نماد و نشانه گرفت برای یک نوع فکر، فهم، سلوک و زندگی. من این نماد را در واژگان «تکرار»، «صبوری» و شوق دانستن و تلاش می‌بینم و می‌فهمم. جلال مقامی و نسل مقامی‌ها، نه فقط در عرصه و عصر طلایی و نقره‌ای دوبله ایران بلکه در هر حوزه و میدان دیگری از کار و زندگی در هر جای این کره خاکی، خاصه در ایران، جویای سبکی از فکر و زندگی بودند که اینک رنگ باخته. چیزهای دیگری از جنس سراب و صناعت جای آن حقایق روان و جاودان را گرفته است.



«بگذارید واقعیت را بگویم که با ادامه روند فعلی چند سال آینده شاهد این اتفاق خواهیم بود که دوبله ایران از جایگاه رفیع خود به سطح نازلی برسد.» این جمله هشدار دهنده و غم‌انگیز جلال مقامی شاید مهم‌ترین تذکار و تلنگری باشد که باید فراتر از بحث دوبله، درباره هنر و زندگی، گوش‌آویز ما شود. از جلال مقامی و هنرش بسیار گفته‌اند و شاید نکته نگفته‌ای باقی نمانده باشد که نگارنده بخواهد مطرح نظر این نوشتار قرار دهد اما بسیار نکته‌ها، دریغ‌ها و هشدارهای خاک‌گرفته و از خاطر مانده هست که باید در لابه‌لای سطور و گفته‌های او و اقرانش، مورد مذاقه قرار گیرد.

از شما می‌پرسم؛ چه چیزی می‌تواند جای «آن» ی از دوبله‌های شاهکار مقامی در هنرپیشگی برساخته هنر دوبلاژ در پس هنرمندان نامی‌ای که او به جای‌شان حرف زد را بگیرد؟ یا حتی ثانیه‌ای از آن لحن، بیان، آهنگ و ضرباهنگ اجرای برنامه دیدنی‌ها را؟

این همان گوهر گمشده و نکته مغفول مانده و شاهراه به انحراف رفته در دوران ماست. وقتی همه چیز به خصوص چیزهای یکه و ناب و بی تکرار و بی‌مانندی مثل هنر، تلاش، خاک خوردن، تکرار کردن، عرق ریختن، صبوری کردن، ممارست و مؤانست و یکی شدن با گوهر و جوهر «کار»، جایش را به تکنولوژی صرف و سیستم‌ساز و بندازی و کمیت‌گرایی مطلق و در یک کلام «پول» داد وضعیت همین شد که در آن جمله آغازین از بیان جلال مقامی رخ نمود.

او به درستی همین نکته را از منظری دیگر هم می‌گوید که «متأسفانه جوانان ما، میدان مناسبی ندارند که کارشان جلوه کند. فرض کنید فیلمی مثل «بینوایان» و دیگر فیلم‌های بزرگی که شما یادتان نمی‌آید ولی احتمالاً دیده‌اید، تولید نمی‌شود. آن فیلم‌ها برگرفته از آثار بزرگ ادبی جهان بودند. بینوایان یا جنگ و صلح، اثرهای ماندگار ادبی جهانی هستند یا «خوشه‌های خشم» از جان اشتاین بک. حساب کنید که حرف زدن در دوبله چنین فیلم‌هایی چقدر با حرف زدن در فیلم‌های کره‌ای فرق دارد. در آن فیلم‌ها، بازیگر اجازه نمی‌داد ما به جایش بد حرف بزنیم و تحت تأثیر آن بازی‌های بزرگ